



Legal Challenges of the Citizenship of the Child Born of the Marriage of an Iranian Woman and a Non-Iranian Man with Emphasis on the Amendment Regulation of 1398s

fatemeh Faraji¹ Haniyeh Zakerinia^{*2}

DOI:
10.30497/FLJ.2023.244625.1919



Abstract

Granting citizenship through the Iranian legal system has challenges in relationship with citizenship of children born from the marriage of Iranian women to foreign men. In 2018, an article was approved to cover the shortcomings of the law on determining the citizenship of children born from Iranian women to foreign men approved in 2006. This not only did not open the way but made the problem more complicated. One of the challenges is the sufficiency of Sharia marriage instead of permission from the government (Article 1060 of the Civil Code) for granting citizenship, which creates irreparable consequences, especially for Iranian women. Also, despite considering this fact that the citizenship to be acquired, granting citizenship has been positive and has created a situation of dual citizenship. The present article, through a descriptive-analytical study, is concluded that although it is possible that granting citizenship to these children is a positive step to reduce their injuries and problems, and it is good for people without birth certificates who have dual identity; But due to lack of proper information and lack of transparency, there are many challenges in this field; Also, due to the existing secret and unplanned migrations, the issue faces security and political threats. The large volume of immigration to Iran has also turned the issue from normal to security and political. The process of issuing a birth certificate is faced with a considerable delay in the security institution's inquiry stage. Still, due to security issues, it is impossible to reduce decision-making institutions. Therefore, Iran should enter this issue more consciously and actively, and turn threats into opportunities, and the approach to granting citizenship should not be unilateral.

Keywords: acquired citizenship, citizenship, foreign father, inherent citizenship, Iranian mother, maternal lineage.

1. MSc. of Private Law, Shiraz University, Shiraz, Iran fatemefaraji39@gmail.com

2. (Corresponding Author) Assistant Professor Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran

h.zakerinia@shirazu.ac.ir

چالش‌های حقوقی تابعیت فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیرایرانی با تأکید بر مقررہ اصلاحی ۱۳۹۸

فاطمه فرجی^۱
حانیه ذاکری نیا^۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

DOI:10.30497/FLJ.2023.244625.1919

چکیده

اعطای تابعیت از طریق نسب مادری در نظام حقوقی ایران چالش‌هایی در رابطه با تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی دارد. در سال ۱۳۹۸ ماده واحده‌ای برای پوشش کاستی‌های قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب سال ۱۳۸۵ تصویب شد. این امر نه تنها راه‌گشا نبود، بلکه مسأله را پیچیده‌تر کرد. یکی از چالش‌ها، کفایت ازدواج شرعی به جای مجوز از دولت (ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی) برای اعطای تابعیت می‌باشد که تبعات جبران‌ناپذیری به خصوص برای زن ایرانی ایجاد می‌کند. هم‌چنین، علی‌رغم اکتسابی دانستن تابعیت، اعطای تابعیت ایجابی بوده و باعث ایجاد وضعیت تابعیت مضاعف شده است. نوشتار حاضر با بررسی توصیفی - تحلیلی به این نتیجه می‌رسد گرچه ممکن است اعطای تابعیت به این کودکان، گامی مثبت جهت کاهش آسیب‌ها و مشکلات آن‌ها باشد و برای افراد فاقد شناسنامه که هویتی دوگانه دارند، راه‌گشا باشد؛ اما به دلیل عدم اطلاع‌رسانی مناسب و عدم شفافیت، چالش‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد؛ و با توجه به مهاجرت‌های پنهانی و بی‌برنامه موجود، مسأله را با تهدیدهای امنیتی و سیاسی رویه‌رو می‌سازد؛ حجم وسیع مهاجرت به ایران نیز موضوع را از حالت عادی به امنیتی و سیاسی تبدیل کرده است. روند صدور شناسنامه با کندی قابل ملاحظه مرحله استعلامات نهاد امنیتی، رویه‌رو است؛ اما با وجود این، امکان کاهش نهادهای تصمیم‌گیری وجود ندارد و این عدم امکان، ناشی از مسایل امنیتی است. بنابراین ایران باید آگاهانه‌تر و فعالانه‌تر به این موضوع ورود، و تهدیدها را تبدیل به فرصت نماید و رویکرد در اعطای تابعیت به صورت یک جانبه نباشد.

کلید واژه‌ها

تابعیت، تابعیت اکتسابی، تابعیت ذاتی، مادر ایرانی، پدر خارجی، نسب مادری.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شیراز، فارس، ایران. fatemefaraji39@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه شیراز، فارس، ایران.

h.zakerinia@shirazu.ac.ir

مقدمه

تابعیت رابطه‌ای است که در آن شخص حق دارد از حمایت دولت بهره‌مند شود. این حق به موجب ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز اصل ۴۱ قانون اساسی ایران به رسمیت شناخته شده است. هم‌چنین بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون راجع به کاهش بی‌تابعیتی بیان نموده: «طفلی که در سرزمین دولت طرف کنوانسیون بر اثر ازدواج قانونی متولد شده باشد و مادر طفل تابعیت دولت طرف کنوانسیون را داشته باشد، از تابعیت دولت طرف معاهده برخوردار خواهد شد؛ مشروط بر آنکه طفل مذکور در صورت عدم اجرای این مقرره بی‌تابعیت شود». در ایران، تابعیت از طریق پدر قابل انتقال است که بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به صراحت بیان کرده است؛ و نقش مادر را در این ارتباط بسیار کم‌رنگ دانسته است. وضعیت تابعیت فرزندان حاصل ازدواج زنان ایرانی با اتباع غیرایرانی، از لحاظ حقوقی مسأله‌ای است که سال‌ها مشکلاتی از قبیل عدم صدور شناسنامه، عدم تحصیل و بی‌بهره‌گی از هرگونه حقوق شهروندی ایجاد کرده است. آن‌ها صرفاً بعد از سن هجده سال تمام و شرط مضاف بر آن، که یک‌سال اقامت در ایران داشته باشند، به‌عنوان تبعه ایران محسوب می‌شدند (بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی). بالاخره در سال ۱۳۸۵ مقررهای تک‌ماده‌ای در خصوص تعیین تکلیف تابعیت این فرزندان به تصویب رسید؛ که نه تنها راهگشا نبود، بلکه مشکل را دوچندان کرد؛ چراکه از یک‌سو فرزندان زیر ۱۸ سال را نادیده گرفته بود و از سوی دیگر، برای کسانی که ازدواج شرعی اما غیرقانونی داشتند، مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورد؛ هم‌چنین تحصیل تابعیت ایرانی با شرایط قانون مدنی را منوط به تقاضا و عدم سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و رد تابعیت خارجی، نمود. با مصوبه سال ۱۳۹۱ نیز مشکلات ازجایی دیگر رخنه کرد؛ علی‌رغم معافیت از پرداخت هزینه اقامت تا نوزده سالگی، حق اقامت دائم و بهره‌مندی از حقوق شهروندی، اما هم‌چنان مشکلاتی در روند گرفتن شناسنامه وجود داشت. در نهایت مهرماه ۱۳۹۸، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در یک ماده و دو تبصره تصویب شد که خلأهای مقررات قبل در اعطای تابعیت را با شرایطی برطرف نمود.

دادن تابعیت به فرزندان این قبیل ازدواج‌ها، از گام‌های مثبت دولت به نظر می‌رسد. شناسنامه، معرف هر فرد و از لوازم امور مختلف اداری و آموزشی است که نداشتن آن نقیصه بزرگی است که اکنون این مشکل حل شده است. ازدواج ایرانیان با اتباع خارجی موجب تسهیل تعاملات با ملت‌های مختلف می‌شود. تأیید تابعیت ایرانی، بهره‌مندی از حقوق و تکالیف اتباع ایران را در پی دارد؛ و اجرای قانون اخیر، ضمن آنکه با ایجاد رضایت خاطر و اطمینان به آینده فرزندان برای مادران، اثر مثبتی بر حقوق زنان دارد؛ گام بزرگی در پیشبرد حقوق کودکان است؛ که موجب می‌شود بخشی از فرزندان کشور که مدت‌هاست احساس تبعیض می‌کنند، به حق بنیادین خود برای توانمندی مادی و معنوی از جمله تسهیل تحصیل^۱ و اشتغال به‌عنوان شهروند ایران دست یابند. با وجود این، هم‌چنان بحران‌ها و مشکلات عدیده‌ای در اجرا و ثبت وجود دارد که حتی عده‌ای رنج بی‌هویتی^۲ را به دوش می‌کشند و هیچ اقدامی نمی‌کنند. باید دید منشأ این مشکلات کجاست که بعد از این همه کشمکش هنوز این تابعیت اکتسابی است.

اگرچه به‌جز نوشتارهای راجع به تابعیت زنان، کودکان، و اتباع خارجی (توسلی نائینی، ۱۳۸۳؛ توسلی نائینی و افضل، ۱۳۹۲؛ رئیسی، ۱۳۸۶؛ زارعی، ۱۳۹۸؛ عابدین، ۱۳۷۸؛ کاظمی، ۱۳۹۴؛ محمدنبی، ۱۳۸۲)، پژوهش‌چندانی در این مورد که مربوط به بعد از تصویب قانون جدید باشد وجود ندارد (اقتداری، ۱۳۹۹؛ مهدی‌پور، ۱۴۰۰) و تعداد اندکی نیز مربوط به قبل از تصویب قانون جدید می‌باشد (امینی و امینی، ۱۳۹۸؛ ایمانی نائینی و دیگران، ۱۳۹۰؛ بیات، ۱۳۹۵؛ توسلی نائینی، ۱۳۹۰؛ جاهد، ۱۳۹۷؛ سلمان‌پور، ۱۳۹۵؛ عباسی و بداغی، ۱۳۸۸؛ عبدی‌پورفرد، ۱۳۹۸؛ عزیزی و حاجی عزیزی، ۱۳۹۰؛ نورایی و غضنفری، ۱۳۹۶)، که از جامعیت لازم برخوردار نیستند. این مقاله علاوه بر بهره‌گیری از نوشتارهای سابق، و بررسی سیر تحول قانونی در موضوع و به‌ویژه

۱. ر.ک: اسدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴

۲. محور «هویت» به‌عنوان «حق» مورد حمایت در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها، در کودکی شکل می‌گیرد؛ درحالی‌که وی تسلط بر عناصر هویتی خود ندارد؛ کنوانسیون حقوق کودک عناصر هویت کودک را نام، تابعیت و ارتباط والدینی می‌داند؛ و به‌منظور و درجهت حفظ و حمایت از این عناصر، تکالیفی را بر دوش دولت‌های عضو نهاده است (اسدی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

مقرره اخیر و نیز طرح متعاقب آن، با استفاده از داده‌هایی که از طریق مصاحبه با برخی دست‌اندرکاران، به‌دست آورده، در نظر دارد چالش‌های موجود و پیش رو را رصد و تحلیل حقوقی نماید. از این رو، پس از بررسی ضرورت بحث و شناسایی واژگان مرتبط، ضمن واکاوی سیر مقررات راجع به موضوع، چالش‌های حقوقی آن (در نظر گرفتن صرف ازدواج شرعی، تابعیت مضاعف، شرط اقامت و ابهام بقای تابعیت ایرانی پس از مهاجرت) رصد می‌گردد و سازوکار مناسب در راستای عمل به مقرره اخیر ارائه خواهد شد؛ چراکه پذیرش بی‌برنامه مهاجرت، تهدیدی بالقوه و جدی برای دولت‌هاست (شاه‌حیدر و سلیقه، ۱۳۹۵). از این رو، ایران باید فعالانه‌تر، مسائل مربوط به تابعیت را تبیین کند و این تهدید (به‌ویژه حجم گسترده‌ی مهاجرین افغان) را به فرصت تبدیل نماید.

۱. جایگاه تابعیت فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی در نظام حقوقی ایران

به‌منظور رصد وضعیت تابعیت فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی، ابتدا به شناسایی تابعیت و گونه‌های آن و طرق کسب تابعیت در ایران می‌پردازیم. پس از تبیین تابعیت ناشی از ازدواج، سیر تحولی مقررات راجع به تابعیت فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی ارائه می‌گردد.

۱.۱. تابعیت، گونه‌های آن و طرق کسب تابعیت در ایران

تابعیت رابطه‌ای حقوقی است که شخصی را با دولت به‌مفهوم جامعه سیاسی مرتبط می‌سازد و جزء عناصر ایجادکننده موقعیت حقوقی فرد در اجتماع قرار می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۸۴-۸۵). کشورها در چارچوب حقوق داخلی و با توجه به روابط خود با دیگر کشورها به وضع قوانین تابعیت می‌پردازند و از این طریق حدود حقوق و تکالیف اتباع خود و اشخاصی را که موضوع تغییر تابعیت، تحصیل تابعیت و از دست دادن تابعیت واقع می‌شوند، معین کرده و ضمن تمیز حقوق اتباع خود از بیگانگان، نظم عمومی را در جامعه برقرار می‌کنند (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۵۹). بنابراین، تابعیت رابطه‌ای سیاسی (ارفع‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۴۹)، داخلی و بین‌المللی (همان، ص ۵۰)، حقوقی (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۳۸) و معنوی (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۸۵) است، که برای تحقق آن، وجود «دولت» که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و از جمعیت، سرزمین،

حکومت و حاکمیت تشکیل شده است لازم می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۸۵-۸۷). در حقوق بین‌الملل سه اصل کلی حاکم بر تابعیت است: نخست، هر فردی باید دارای تابعیت باشد (ارفع‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۵۲)؛ اصل دوم، هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد (همان‌جا) و سوم، افراد حق تغییر تابعیت را دارند (ارفع‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۵۳) تابعیت به سه گونه اصلی، اکتسابی (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۴۱) و مضاعف می‌باشد. تابعیت اصلی تابعیتی است که از ابتدای تولد شخص، از طریق دو معیار خون و خاک تحمیل می‌گردد (همان‌جا). تابعیت با سیستم خون، از طریق نسب به طفل تحمیل می‌شود؛ یعنی از بدو تولد، بدون توجه به محل تولد، تابعیت پدر و یا مادرش را متحمل خواهد شد (همان، ص ۴۵). مطابق سیستم خاک، هر شخصی در هر محلی که متولد می‌شود، تابعیت آن کشور را دارد؛ امروزه اکثر دولت‌ها به سیستم خاک عمل می‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۹۱).

ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران به دو دسته تابعیت شامل تابعیت فردی که پدرش ایرانی بوده و تابعیت ناشی از تولد در ایران اشاره کرده است. مطابق بند ۲ این ماده، «کسانی که پدر آنها ایرانی است، اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند»، تبعه ایران محسوب می‌شوند. این، همانا تحمیل تابعیت با اعمال سیستم خون است که فقط از طریق پدر ایرانی به طفل تحمیل می‌شود (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۳۰) و تابعیت مادر به طفل منتقل نمی‌شود. بدیهی است هرگاه پدر بعداً تغییر تابعیت بدهد تأثیری در تابعیت فرزند نخواهد داشت (همان، ص ۶۵) در برخی کشورها تابعیت از طریق مادر نیز به طفل منتقل شده و طفل از همان بدو تولد دارای تابعیت مضاعف می‌گردد. قانون ایران، برای جلوگیری از تابعیت مضاعف بر اثر تولد طفل از پدر ایرانی و مادر خارجی، در بند ۶ مقرر می‌دارد: «هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند»، تبعه ایران محسوب می‌شود.

بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ به سیستم خاک اشاره کرده است. در بند ۳ «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشند»، تبعه ایران محسوب می‌شوند. طفلی که از ازدواج مشروع متولد شده باشد اما در اثر حوادث والدین خود را از دست داده است، ایرانی

است. مطابق بند ۵، «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده، به وجود آمده‌اند» ایرانی محسوب می‌شوند. لذا طفلی که از مادر خارجی متولد ایران به دنیا آمده، ایرانی است. به موجب بند ۵ «کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است، به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام، لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند، تبعه ایران محسوب می‌شوند. در غیر این صورت، قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.» پیش‌بینی قانون‌گذار در این بند، برای جلوگیری از افزایش افراد بدون تابعیت است.

تابعیت اکتسابی ایرانی، در دو فرض شخص حقیقی (در چهار حالت) و شخص حقوقی (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳ و ۱۴۴-۱۴۵؛ اسکینی، ۱۳۸۴، ص ۶۴؛ دمرچیلی و دیگران، ۱۳۸۱، ص) قابل بررسی است. در یکی از حالات فرض نخست، هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایران محسوب می‌شود. این زن اگر طلاق هم بگیرد، باز هم ایرانی است و می‌تواند با اطلاع کتبی به وزارت امور خارجه به تابعیت قبلی خود برگردد. اما در مقابل، ماده ۹۸۷ قانون مدنی مقرر می‌کند که زن ایرانی که با تبعه خارجی ازدواج می‌کند، به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند؛ مگر آن‌که مطابق قانون مملکت کشور زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود.

از آنجاکه هر کشور به مقتضای موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود یکی از روش‌های خاک، خون یا مختلط را برمی‌گزیند، ممکن است دو دولت، تابعیت خود را به یک فرد اعطا کنند، و در نتیجه تابعیت مضاعف به وجود می‌آید (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۴۱). به عنوان مثال قانون مدنی ایران، طفلی را که از پدر ایرانی به دنیا آمده باشد، تبعه ایران می‌داند؛ اگر این طفل در خارج از ایران و در کشوری که سیستم خاک را برای تابعیت اعمال می‌کند، مانند آمریکا به دنیا آید، تابعیت آن کشور را نیز خواهد داشت. بدین ترتیب این طفل دارای دو تابعیت ایرانی و آمریکایی خواهد بود. پس در صورتی که در زمان تولد طفل بین دولت‌ها اختلاف در روش‌های اعطای تابعیت وجود داشته باشد، ممکن است شخص از ابتدای تولد دارای دو تابعیت گردد. بیشتر

کشورهای اتحادیه اروپا از جمله فرانسه در حال حاضر اجازه تابعیت مضاعف را دارند (ارفع‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۶۰-۶۲). به‌منظور پیشگیری از تابعیت مضاعف، می‌بایست هر کشوری مقررات تابعیت خود را به‌گونه‌ای تدوین کند که کسب تابعیت دیگر ممکن نباشد؛ مگر این‌که مسلم شود که تابعیت قبلی خود را ترک کرده است. یک راه، این است که وقتی طفل به سن قانونی رسید، یکی از دو تابعیت را به میل خود انتخاب کند. قوانین ایران راه‌کاری در جهت حل پدیده دو تابعیتی ارائه نکرده است.

اعطای تابعیت در ایران به سه طریق است: ۱. سیستم خون و خاک ۲. پذیرش به تابعیت ایران ۳. ازدواج. تابعیتی که از روش اول به‌دست آید تابعیت اصلی و تابعیتی که در نتیجه دو وسیله اخیر تحصیل شود، تابعیت اکتسابی است. متقاضی کسب تابعیت ایران به روش دوم، باید چهار شرط اهلیت استیفا (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۷۵)، اقامت (همان، ص ۷۶-۷۵)، لیاقت (همان، ص ۷۶؛ بندهای ۳ و ۴ ماده ۹۷۹ ق.م) و مکنت (همان‌جا) را واجد باشد. و در روش اخذ تابعیت ایران از طریق ازدواج، قانون‌گذار ایران دو روش متفاوت برای زن و مرد قرار داده است. به‌موجب بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، هر زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج کند تبعه ایران محسوب می‌شود. درحالی‌که مرد خارجی که با زن ایرانی ازدواج می‌کند، نمی‌تواند بلافاصله تابعیت ایران را اخذ نماید و برای اخذ تابعیت می‌بایست ۵ سال از ازدواج گذشته باشد. چنان‌چه از همسر ایرانی خود صاحب فرزند شده باشد، می‌تواند قبل از اتمام ۵ سال درخواست تابعیت خود را به دولت تقدیم نماید. درخصوص ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی این نکته حائز اهمیت است که چنان‌چه طبق قانون کشور مرد با ثبت ازدواج، تابعیت مرد به زن ایرانی اعطا شود، وی می‌تواند انتخاب کند که تابعیت ایرانی خود را حفظ کند و یا تابعیت کشور متبوع مرد را اکتساب نماید (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۶۸-۶۹).

۱.۲. آثار تابعیت ایرانی نسبت به فرزندان

اولاد صغیر شخصی که به تابعیت ایرانی پذیرفته شده، ایرانی محسوب می‌گردند، آن‌ها حق دارند ظرف یک‌سال از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، اظهاریه کتبی به‌ضمیمه تصدیق دولت

متبوع پدر، دائر براین که آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت، به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق پدر را قبول کنند (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۷۳-۷۴). اصل وحدت تابعیت نسبت به اولاد صغیر شخصی که به تابعیت ایران پذیرفته شده، نیز لحاظ گردیده است. این تحصیل تابعیت ایرانی پدر، درباره‌ی اولادی که در تاریخ تقاضانامه به سن ۱۸ سال تمام رسیده‌اند، مؤثر نمی‌باشد (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۶۸).

بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی مؤید پذیرش سیستم خون در نظام قانون‌گذاری ایران است؛ یعنی هر طفل متولد از پدر ایرانی، به مجرد تولد، چه در داخل و چه در خارج کشور، ایرانی محسوب می‌گردد (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۳۰). مشمولین بند ۲ این ماده به جهت تولد از پدر ایرانی، برخلاف سایر دارندگان تابعیت‌های اصلی که در بندهای ۵-۴-۳ ماده ۹۷۶ ق.م. به آن‌ها اشاره شده، ایرانی‌الاصل نامیده می‌شوند. با توجه به تعریف سیستم خون، ملاک تشخیص تابعیت، زمان تولد می‌باشد، یعنی ضابطه تابعیت نسبی در ایران، تابعیت ایرانی اصلی یا اکتسابی پدر (سلجوقی، ۱۳۹۱، ص ۷۹) حین ولادت طفل است. بدیهی است هرگاه پدر بعداً تغییری در تابعیت خود بدهد، تأثیری در تابعیت فرزند نخواهد داشت (همان، ص ۶۵).

۱.۳ سیر تحول قانونی تابعیت فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی

وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مسأله‌ای است که سالیان سال مشکلاتی از قبیل: عدم صدور شناسنامه، عدم تحصیل و بی‌بهره‌گی از هرگونه حقوق شهروندی به وجود آورده است. در این راستا قانون سیری از تحول را پشت سر گذاشته است که در مرحله اول قانون‌گذاری نه‌تنها راه‌گشا نبود، بلکه مشکلات را نیز دوچندان کرد. در ادامه سیر تحول را بررسی می‌کنیم.

۱.۳.۱ ماده ۹۷۶ قانون مدنی

با بررسی بندهای ماده ۹۷۶ قانون مدنی می‌توان به قیاس اولویت (قوی‌تر بودن رابطه فرزندان مادران ایرانی)، طبق بندهای ۳، ۴ و ۵، تابعیت ایرانی را به این فرزندان اعطا نمود. به موجب بند ۳، «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند»، ایرانی به‌شمار می‌روند. نامعلوم بودن والدین در سه فرض تصور می‌شود: در فرض اول، والدین نامعلوم

هستند و تولد طفل ناشی از ازدواج قانونی نبوده است و به طور مشخص پدر طفل نامعلوم است؛ در فرض دوم، کودک پس از تولد، توسط والدین رها شده است و امکان شناسایی آن‌ها وجود ندارد؛ و فرض سوم این است که هویت والدین مشخص است، اما تابعیت آن‌ها معلوم نیست. به هر حال به منظور جلوگیری از وجود شخص بی تابعیت در کشور در این فروض، طفل ایرانی محسوب می‌شود (سلجوقی، ۱۳۹۱، ص ۶۵) مطابق بند ۴ تابعیت ایران برای «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده، به وجود آمده‌اند»، پذیرفته شده است. در این ماده با اطلاق لفظ «یکی از آن‌ها» تفاوتی بین پدر و مادر نگذاشته و به صرف تولد یکی از آن‌ها در ایران شرط محقق می‌شود. پس شرط این که فرد طبق این بند، ایرانی محسوب شود این است که اولاً متولد ایران باشد، ثانیاً پدر و مادر او خارجی باشند و ثالثاً یکی از والدین در ایران متولد شده باشند.

نظریه مشورتی وزارت دادگستری به شماره ۷/۵۰۲۵ مورخ ۶۱/۱۰/۱۳ بیان کرده که اگر مادر طفلی ایرانی باشد و در ایران متولد شده باشد، طفل، ایرانی محسوب می‌شود؛ اما اگر طفل متولد ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد در خارج باشد، تابعیت ایران نیز به او اعطا نمی‌شود. این، ضعف قانونی است؛ چراکه رابطه این فرزندان نسبت به فرزندی که از پدر و مادر خارجی هستند، به مراتب قوی‌تر محسوب می‌شود (همان، ص ۶۶-۶۷).

بند ۵ به موردی می‌پردازد که زن و شوهر ایرانی نیستند و دارای فرزند هستند و در ایران زندگی می‌کنند، بدین ترتیب که اگر فرزند به هجده سال تمام رسیده باشد می‌تواند حداقل یک سال دیگر هم در ایران زندگی کند تا تابعیت ایرانی را اخذ نماید و اگر فاقد این شرایط باشد، باید مطابق قوانین ایران نسبت به اخذ تابعیت اقدام نماید.

۱.۳.۲. ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵

عملاً تا سال ۱۳۸۵، هیچ قانون اجرایی در خصوص اعطای تابعیت ایرانی به صورت اختصاصی به فرزندان مادران ایرانی که پدران آن‌ها غیرایرانی باشند، نداشتیم. البته می‌توانستند به صورت عادی طبق روالی که برای اخذ تابعیت تعریف شده بود، فارغ از هویت مادری و پدری اخذ

تابعیت کنند^۱. قبل از سال ۱۳۸۵ هیچ امتیازی برای این فرزندان وجود نداشت، البته در مقام اجرا، تعدادی شناسنامه قبل از این سال صادر شد که طبق مقرره‌ای که فرزند متولد در ایران را که پدر و مادر او معلوم نباشد ایرانی محسوب می‌نمود، به ثبت احوال مراجعه کرده و با بیان مشخصات مادر، شناسنامه دریافت می‌کردند؛ بدون این که مشخصات پدر موجود باشد (غلامی، ۱۴۰۱/۴/۲۹).

مطابق ماده واحده یادشده «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک‌سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانند بعد از رسیدن به سن هجده‌سال تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تبصره ۱. چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده‌سال تمام باشد، باید حداکثر ظرف مدت یک‌سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲. از تاریخ تصویب این قانون، کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن هجده‌سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک‌سال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده ۹۷۹ قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

در قانون مصوب ۱۳۸۵ تقاضای تابعیت از سوی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی منوط به چند شرط اصلی بوده است: ۱. تولد طفل در ایران؛ ۲. تولد طفل حداکثر تا یک‌سال پس از تصویب قانون؛ ۳. تقاضای تابعیت پس از سن ۱۸ سال تمام شمسی و منوط به

رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی که طبق این ماده «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است». و این خود یکی از نقاط قوت ماده واحده ۱۳۸۵ بود که در اصلاحیه اردیبهشت ۱۳۹۸ در کمال شگفتی حذف شد! ۴. نداشتن سوء پیشینه کیفری و امنیتی؛ ۵. اعلام رد تابعیت غیرایرانی؛ ۶. آزمون تابعیت که منابع آن قانون اساسی، تاریخ و جغرافیا بوده است؛ ۷. سوگندنامه. در این قانون احکام دیگری نیز مانند صدور اقامت برای پدر خارجی وجود دارد.

از مستندات و دلایل تقدیم طرح سال ۹۸، می توان به عبارت «مردان خارجی» که موجب خروج موضوعی افراد بی تابعیت می شود، اشاره نمود. زنان ایرانی ممکن است با مردان غیرایرانی ازدواج کرده باشند؛ لیکن به معنای خارجی بودن و داشتن تابعیت کشوری نمی باشد. از آنجا که تدوین این لایحه برای رفع سردرگمی مضمولان است، لذا استعمال کلماتی دقیق تر مثل «مردان غیرایرانی» می تواند به اجرای بهتر قانون کمک کند. دلیل دیگر، عدم اشاره به محل تولد فرزند و یا محل سکونت والدین در ایران بود. همچنین به سقف زمانی اعطای امتیازات این قانون اشاره نشده است. به هر حال، نام این قانون «قانون تعیین تکلیف» است و چنان که قانون گذار قصد اعطای تابعیت نسبی از طریق مادر و تغییر قواعد سیستم خون را دارد، بهتر است ماده ۹۷۶ قانون مدنی را اصلاح کند. دلیل دیگر، عدم اشاره به مهلت زمانی تشخیص وزارت اطلاعات برای اعلام مشکلات امنیتی می باشد که می تواند کسب تابعیت را به تأخیر اندازد. لذا بخش پایانی ماده واحده ۱۳۹۸، مقرر کرده است که «پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود...». همچنین در ماده ۱۳ آیین نامه اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی مصوب ۱۳۹۹ بیان شده «عدم ارسال پاسخ ظرف مدت سه ماه توسط مرجع امنیتی به منزله فقدان مشکل امنیتی تلقی می شود و در این صورت... اداره ثبت احوال محل تولد مادر ایرانی، موظف به صدور کارت ملی و شناسنامه برای فرد مورد نظر است...».

۱.۳.۳. قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸

لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۳۰ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس بررسی و با اصلاحاتی تصویب شد و جایگزین طرح یک‌فوریتی شد. متعاقباً در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید؛ و به شورای نگهبان ارسال گردید. و نسخه اصلاحی آن در نهایت در ۱۳۹۸/۷/۲ به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید.^۱

ماده واحده ۱۳۸۵، درخواست تابعیت این فرزندان را پس از ۱۸ سالگی منوط به رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی می‌کرد که طبق این ماده «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است». که در اصلاحیه اردیبهشت ۱۳۹۸ حذف شد و قانون‌گذار به یکباره اصل نظارت دولت بر ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی را به فراموشی سپرد. در این ماده واحده نیز نیروی انتظامی برای پدر غیرایرانی این فرزندان که بدون پروانه اقامت و چه بسا بدون روادید وارد کشور شده‌اند، مکلف به صدور پروانه اقامت شده‌است و موارد رد تابعیت غیرایرانی که هم در ماده واحده ۱۳۸۵ و هم در قانون مدنی شرط ورود به تابعیت ایرانی است، در این مصوبه حذف شده است. نکته نهایی این که مطابق اصول قانون اساسی مانند اصل ۱۱۵ و مواد قوانین عادی مانند ماده ۹۸۲ قانون مدنی و قوانین استخدام کشوری و لشکری و استخدام قضات و اعطای پروانه وکالت و... که همگی داشتن تابعیت ایرانی (ایرانی‌الاصل) را شرط نموده‌اند، هدفی را دنبال می‌کنند که این مصوبه آن را نقض می‌کند. زیرا با وجود این که فرزندان که پدر آن‌ها غیرایرانی است، ایرانی‌الاصل نیستند، اما ماده واحده مصوب ۱۳۹۸/۲/۲۳ برای این فرزندان قایل به تابعیت اصلی ایرانی است. چراکه نوع تابعیت مقرر در این ماده اصلی است نه اکتسابی؛ و چنین اشخاصی را قانوناً باید ایرانی‌الاصل دانست. هرچند پدرشان غیرایرانی است و این افراد عرفاً هم ایرانی‌الاصل قلمداد نمی‌شوند. فرآیند تصویب این قانون موافقان و مخالفانی نیز داشته است؛ موافقان بر این عقیده بودند که زنان ایرانی حق انتخاب دارند و با استفاده از این حق ازدواج‌هایی انجام داده‌اند که

۱. برای دریافت متن ماده واحده ر.ک: <https://www.rrk.ir/Laws/PrintLaw.aspx?Code=18369>

حاصل آن فرزندان است که خواستار هویت ایرانی هستند. به علاوه، تفکیک سرزمین‌ها از باب نظم بین‌المللی است و بسیاری از این افراد خدمات قابل توجهی به ایران کرده‌اند و موقعیت‌های مناسبی را برای کشور فراهم آورده‌اند. از لحاظ امنیتی نیز فرزندی که در ایران متولد می‌شود نمی‌تواند صدمه‌ای به امنیت و تمامیت ارضی ایران وارد کند؛ و حتی بالعکس، اگر تابعیت به آن‌ها تعلق نگیرد، احساس تبعیض کرده و در مقابل نظم اجتماعی قرار می‌گیرند و ممکن است خطرآفرین باشند. عقیده مخالفان این بود که با وجود قانون اعطای تابعیت، نیازی به این قانون نداریم. در کشور ما تابعیت غالباً از طریق خون است و برای اعطای تابعیت نیز محدودیت‌هایی وجود دارد و نباید این‌گونه پنداشت که زن حق ندارد. در جهت منزلت زن ایرانی باید برنامه‌ریزی دقیقی صورت پذیرد؛ در غیر این صورت، حتماً با مشکلاتی مواجه می‌شود. ممکن است بعد از یکی دو دهه، ۴۰، ۵۰ میلیون نفر مهاجر در ایران داشته باشیم و هر کدام دارای چند تابعیت باشد و امنیت کشور را متزلزل سازند.^۱ قانون سال ۹۸ کارشناسی نبود و فضای بازی همراه با مطالبه‌گری به وجود آورد.

۱.۳.۴. قانون تشکیل سازمان ملی مهاجرت مصوب ۱۴۰۱/۸/۲۲

حضور میلیونی اتباع خارجی ضرورت ساماندهی اوضاع آن‌ها را افزایش داد و منجر به تأکید کارشناسان بر اهمیت تأسیس سازمان ملی مهاجرت شد تا این سازمان بتواند با بهره‌گیری از توان بقیه سازمان‌ها و نهادهای ذی‌نفع با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت امور مربوط به اتباع و مهاجرین خارجی را ساماندهی کنند. در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ شورای عالی اداری کشور با تشکیل سازمان ملی مهاجرت موافقت کرد و بالأخره در ۲۲ آبان ۱۴۰۱ کلیات آن به تصویب نمایندگان مجلس رسید و جهت بررسی تخصصی به کمیسیون تخصصی ارجاع گردید. در ماده ۴۱ این مصوبه آمده است که قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۹۸/۷/۲ از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون به استثنای افرادی که در سامانه مذکور ثبت‌نام کرده‌اند، لغو می‌گردد.

۱.۳.۵. طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲ - مرداد ۱۴۰۲

در تمام کشورها سیاست‌هایی مبتنی بر ظرفیت‌ها و شاخص‌های امنیت ملی برای مهاجرپذیری قرار داده می‌شود. ایران با بیش از ۸ میلیون پناهنده جزء کشورهای مهاجرپذیر قرار دارد که برای برقراری نظم، تنظیم مقررات متناسب ضروری است. قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۹۸ نیز با همین رویکرد تصویب شد که چالش‌هایی از جمله تابعیت مضاعف را ایجاد نمود؛ ضرورت اصلاح قانون و ساماندهی وضعیت مهاجران منجر به تقدیم طرحی با عنوان طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲^۱ شد.

با تصویب این طرح بسیاری از کاستی‌های قانون قبل از جمله موارد ثبت ازدواج، پوشش داده خواهد شد. اما در مورد اخذ مجوز همچنان ابهام پابرجاست؛ اینکه اگر ازدواج با اخذ مجوز باشد آیا هم‌چنان طی کردن فرآیندها از جمله آزمایش یا مراحل دادگاه ضرورت دارد؟ مزیت نسبی این طرح، رد تابعیت خارجی است که به‌نحو صحیحی برای از بین بردن تابعیت مضاعف قرار داده شده است.

۲. چالش‌های حقوقی تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیرایرانی

در این قسمت به بررسی چالش‌های حقوقی تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیرایرانی می‌پردازیم. بدین منظور، ابتدا منشأ چالش‌های حقوقی بررسی می‌گردد؛ سپس تابعیت ذاتی و اکتسابی فرزند زن ایرانی و مرد غیرایرانی، و مزایا و معایب هریک را رصد خواهیم کرد.

۲.۱. منشأ چالش‌های حقوقی: شرایط اعطا و ترک تابعیت فرزند زن ایرانی و مرد غیرایرانی

در خصوص تابعیت فرزندان مورد بحث، ملاک عمل، قانون به‌روزرسانی شده است؛ البته کسانی که بر اساس قانون قبلی تابعیت گرفته‌اند، پابرجا می‌ماند. در قانون جدید چند قید زمانی

۱. برای دسترسی و ملاحظه متن این طرح ر.ک: https://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1779997

قرار داده شده است. کسانی که ازدواج آن‌ها مربوط به قبل از قانون بوده برای تشکیل پرونده، نیازی نیست ازدواج را بر اساس رویه قانونی به ثبت برسانند؛ و بعد درخواست دهند و می‌توانند با همان ازدواج شرعی درخواست شناسنامه بدهند. اما کسانی که ازدواج یا ولادت فرزندشان بعد از تصویب قانون است، حتماً باید ابتدا ازدواج را به ثبت برسانند، بعد درخواست شناسنامه برای فرزند بدهند. قید زمانی دوم که در آیین‌نامه صدور پروانه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیرایرانی ۱۳۴۵/۷/۶ آمده این است که مادرانی می‌توانند از امتیاز این قانون بهره‌مند شوند که الزاماً شناسنامه آن‌ها قبل از ولادت فرزند گرفته شده باشد و ممکن است خانواده‌ای وجود داشته باشد که فرزند اول شامل این قانون نشود.

در قانون مورد بحث، اعطای تابعیت به درخواست مادر و تقاضای خود شخص امکان‌پذیر است. شرایط اعطای تابعیت در هر دو فرض تقریباً یکسان است. در صورتی که مادر تابعیت ایرانی داشته باشد، پدر غیرایرانی باشد و سن شخص کمتر از ۱۸ سال باشد، مادر می‌تواند برای او تابعیت ایرانی درخواست کند. پس از رسیدن به هجده سالگی و عدم تقاضای مادر ایرانی، خود شخص می‌تواند تقاضای تابعیت کند. مطابق قانون اصلاحی، در هر دو فرض اعطای تابعیت مشروط به نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه) است. پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود. در صورتی که در مهلت مقرر پاسخی به استعلام داده نشود، شخص را باید فاقد مشکل امنیتی دانست. برخلاف نداشتن سوءپیشینه کیفری که مفهومی حقوقی و مشخص است، «مشکل امنیتی» مفهومی مبهم و قابل تفسیر است. آیا منظور ارتکاب جرایم علیه امنیت است یا مفهومی فراتر از آن؟ بهتر است مفهومی دقیق و قابل سنجش مقرر شود یا ضابطه‌ای برای تشخیص آن ارائه شود.

در لایحه دولت و نیز در مصوبه مجلس، در فرض تقاضای تابعیت توسط مادر (برخلاف فرض تقاضای خود شخص) شرط نداشتن مشکل امنیتی وجود نداشت که با عدم تأیید شورای

۱. مهم‌ترین مبنای فقهی ثبت ازدواج، قاعده «نفی اخلال در نظام» است (ملکی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۲۰۷).

نگهبان مواجه شد. هر چند احتمال مشکل امنیتی در خصوص شخص زیر هجده سال کم است، اما در واقع وجود دارد؛ چنان‌که بسیاری از اعضای گروهک‌های تروریستی افراد زیر هجده سال هستند؛ به علاوه، ممکن است پدر غیرایرانی او مشکل امنیتی داشته باشد که در این فرض اعطای تابعیت به فرزند وی منطقی نخواهد بود (امینی و امینی، ۱۳۹۸، ص ۴۳۵-۴۶۲). هم‌چنین، احراز نداشتن مشکل امنیتی توأمان برعهده وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته؛ لذا اگر یکی از دو نهاد قائل به وجود و دیگری قائل به نبود مشکل امنیتی باشد، امکان اعطای تابعیت به شخص وجود ندارد. هر چند تصمیم هر دو مرجع قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری باشد (همان‌جا).

ملاحظه می‌گردد که در زمینه تابعیت فرزندان مادران ایرانی خلأ قانونی نیست؛ و مسائل پیش‌آمده مربوط به جزئیات قوانینی است که به مراتب وضع شده است که بسیاری از این چالش‌ها ناشی از ذاتی یا اکتسابی تلقی کردن تابعیت اشخاص مورد بحث و مزایا و معایب هریک است؛ و حتی ممکن است منجر به عدم ثبات مسائل سیاسی ایران شود؛ به این صورت که از نگاه سیاستمداران پیامدهای شدید سیاسی امنیتی وجود دارد که صد البته تابعیت بر مبنای سیاست است و حتی در بعضی موارد به عنوان مشوق در جهت منافع سیاسی، اقتصادی استفاده می‌شود و برای کشور ما با توجه به شرایط موجود کاملاً سیاسی امنیتی است و نمی‌توان از نقطه نظر حقوق بشر قانون ثابتی را بدون لحاظ مسائل امنیتی سیاسی در نظر گرفت؛ بعضی نیز این چالش‌ها را ناشی از تبعیض در اعطای تابعیت می‌دانند. حصری بودن بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی در پذیرش نسب پدری و تنظیم مبهم بند ۴ همین ماده در افزایش این چالش‌ها نقش به‌سزایی دارد و تبصره ۲ ماده واحده به‌طور کلی برای اشخاص بدون تابعیت و متولد ایران از پدر و مادری که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده باشد، امکان تابعیت ایرانی را فراهم کرده است. در ترک تابعیت، شخص با قبول تابعیت کشوری دیگر، قطع روابط بین خود و دولت متبوعش را می‌خواهد. قانون ایران برای ترک تابعیت شرایط سختی در نظر دارد: ۱. سن ۲۵ سال تمام؛ ۲. اجازه هیئت وزرا مبنی بر خروج از تابعیت؛ ۳. تعهد به انتقال حقوق اموال غیر منقول خود ظرف

یک سال از تاریخ ترک تابعیت^۱؛ ۴. انجام خدمت تحت‌السلطه. در تبصره الف (اصلاحی ۱۳۴۸/۱۱/۲۷) بیان شده که کسانی که برطبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند (۳) این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت، از ایران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند، مقامات صالحه امر به اخراج آنها خواهند نمود و تمدید مهلت فوق حداکثر تا یک سال، موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد. تبصره ب نیز بیان می‌کند که هیئت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر، تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال دارند و یا به جهات دیگری محجورند، اجازه دهد. فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند به تبعیت از درخواست مادر، تقاضای ترک تابعیت نمایند (ماده ۹۸۸ قانون مدنی).

۲.۲. تابعیت ذاتی فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی؛ مزایا و معایب

بحث حاضر در دو بند ارائه می‌شود. ابتدا به امکان‌سنجی تابعیت ذاتی فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی می‌پردازد و در بند بعد مزایا و معایب ذاتی تلقی نمودن تابعیت فرزندان مورد بحث، رصد می‌گردد.

۲.۲.۱. امکان‌سنجی تابعیت ذاتی فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی

تابعیت ذاتی به تابعیتی گفته می‌شود که فرد به محض به دنیا آمدن آن را کسب می‌کند. در ایران ازدواج مرد غیر ایرانی با زن ایرانی، حقی را برای تابعیت ایجاد نمی‌کند و شوهر به تبعیت خود باقی می‌ماند و تابعیت فرزند حاصل این ازدواج نیز با پیچیدگی‌هایی روبه‌روست. شروع عنوان «مادران ایرانی» از سال ۸۵ بوده و تا قبل از سال ۸۵ براساس مواد قانون مدنی صرفاً کسی که از پدر ایرانی زاده می‌شد، می‌توانست مستقیماً تابعیت ایران را کسب کند.

طرفداران نظریه ذاتی به استناد و با قیاس اولویت از بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، این‌طور

۱. زوجه و اطفال کسی که برطبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند، از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند؛ مگر اینکه اجازه هیئت وزرا شامل آنها هم باشد.

استنباط کرده‌اند که وقتی پدر و مادر خارجی باشند و یکی از آن‌ها متولد ایران باشد و فرزند این پدر و مادر دارای تابعیت ذاتی ایران می‌باشد، پس مادر ایرانی که به قیاس اولویت هم در ایران متولد شده و هم تابعیت ایرانی دارد، فرزند او نیز تابعیت ذاتی ایرانی خواهد داشت. هرچند قیاس هم رعایت نشده، چراکه در فرض پدر و مادر خارجی، فرآیند اخذ شناسنامه بسیار راحت‌تر و سریع‌تر انجام می‌گیرد و ملاحظات امنیتی ندارد و با اعلام دایره مهاجرت و گذرنامه، اداره ثبت احوال موظف به صدور شناسنامه است؛ حتی شرط اقامت قانونی را هم که قبلاً وجود داشت، دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲۰ در دادنامه ۶۹۸ ابطال کرد. البته باید گفت که در اجرا ملاحظات وجود دارد؛ این‌که اگر نیروی انتظامی به مصلحت نداند یا احتیاج به استعلام باشد، مدنظر قرار می‌دهد. تابعیت ذاتی، قطعاً باید به نسل‌های بعد منتقل شود؛ و این امر بروز مسائلی را در پی خواهد داشت. اعطای تابعیت در ایران از سیستم مختلط پیروی می‌کند. لیکن در مقام عمل، سیستم خون بر خاک غلبه دارد. با این مبانی و اصول قانونی و نیز طبق نظر و استدلال طرفداران نظریه ذاتی، فرزند زن ایرانی و مرد غیرایرانی، از تابعیت ذاتی بهره‌مند خواهد بود.

از آن‌جا که ایران با حجم وسیعی از اتباع افغان روبه‌روست، بررسی سیستم این کشور لازم است. در حقوق افغانستان، استقلال تابعیت زوجین پذیرفته شده است و به موجب ماده ۱۰ قانون تابعیت افغانستان، فرزند هرکدام از زن و مرد افغانی، تبعه افغان محسوب می‌گردد (توسلی نائینی و افضل‌لی، ۱۳۹۲، ص).

به‌طورکلی پذیرش سیستم خون از سوی دولت‌ها بر این مبنا استوار است که فراوان بودن تبعه در زمان صلح، به افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی؛ و در زمان جنگ، به قدرت نظامی آن‌ها منجر می‌شود (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۳۴). محققان معتقدند سیستم خون در مقابل سیستم خاک قرار ندارد، بلکه مکمل یکدیگر هستند؛ زیرا هر کدام مزایا و معایبی دارد و هر کشوری با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی خود، مقررات تابعیت را وضع می‌کند (بالازاده، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

در میان ۱۹۴ کشور دنیا، تنها ۳۰ کشور به سیستم خاک در اعطای تابعیت، پای بند هستند. ایالات متحده آمریکا و کانادا مشهورترین این دسته‌اند. اصل خاک بیشتر در کشورهای مهاجرپذیر استقبال شده است؛ یکی از علل گرایش کشورهای اروپایی به پذیرش تابعیت از طریق خاک این است که به مرور متوجه این شده‌اند که فرهنگ آن‌ها پیشرو و مسلط است؛ و اگر فردی در کشور آن‌ها متولد شود، قطعاً با فرهنگ آن کشور بزرگ می‌شود. در حالی که در بسیاری از کشورهای آسیایی به علت پیشرو نبودن فرهنگ و عدم تسلط فرهنگی این نگرانی وجود دارد که اگر با سیستم خاک اقدام به اعطای تابعیت کنند، ممکن است در عمل با اتباعی مواجه گردند که هیچ تعلق خاطری به کشور ندارند (غلامی، ۱۴۰۱/۵/۴). علت دیگر گرایش به سیستم خاک، این است که هر فردی در قلمرو کشوری متولد شود تحت نفوذ و اقتدار آن دولت قرار می‌گیرد؛ و به همین ترتیب اگر از قلمرو خاک کشور خارج شود، دیگر آن دولت بر فرد سلطه ندارد (بالازاده، ۱۳۸۳، ص ۳۵) و عملاً دولت‌ها قدرت خود را بر این اساس نسبت به اشخاص اعمال می‌کنند. چنانچه سیستم خاک مورد پذیرش همه کشورها بود، هیچ فردی بدون تابعیت نمی‌ماند (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۳۳) اکثر کشورهای جهان سوم قانون خاک را قبول ندارند؛ چون نمی‌توانند فرهنگ خود را سریع منتقل کنند. نمونه بارز آن افغان‌ها هستند که حتی با وجود گذشت یکی دو نسل حضور در ایران، هنوز تعلق خاطری به کشور ایران ندارند و طبق فرهنگ خود پیش می‌روند؛ هرچند ایران نیز با رغبت پذیرای آن‌ها نبوده است.

۲.۲.۲. مزایا و معایب تابعیت ذاتی فرزند زن ایرانی و مرد غیر ایرانی

به موجب بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند...»، تابعیت ایران دارند. و این ادعا وجود دارد که اگر فرزند تولد یافته از مادر خارجی می‌تواند از تابعیت اصلی ایران به موجب این بند بهره‌مند گردد، به طریق اولی فرزند متولد از مادر ایرانی هم مشمول این بند می‌شود (سلجوقی، ۱۳۹۱، ص ۸۲) در این خصوص چندین بار از اداره حقوقی وزارت دادگستری کسب نظر مشورتی شده است. در اکثر این نظریات مشورتی^۱، اعم از قبل و بعد از انقلاب، تصریح شده است که اگر مادر ایرانی طفل

۱. نظر مشورتی شماره ۳۸۰۷، مورخ ۱۳۵۳/۶/۶ و نظر مشورتی شماره ۷/۵۲۰۷، مورخ ۱۳/۱۰/۱۳

در ایران متولد شده باشد، باتوجه به وحدت‌مناط مندرج در این بند، این کودک ایرانی محسوب می‌شود. ذاتی تلقی‌کردن تابعیت این فرزندان می‌تواند نتایج متفاوت و امتیازات متعددی نسبت به اکتسابی بودن داشته باشد. از جمله این‌که: نیازی به فرآیند رسیدگی به صلاحیت نیست و به محض متولد شدن از تمام حقوق شهروندی بهره‌مند می‌گردد؛ به‌علاوه تابعیت ذاتی ایرانی بدون چون‌وچرا به نسل‌های بعد هم انتقال می‌یابد و روند صدور شناسنامه برای نسل‌های بعد مانند یک شهروند ایرانی می‌باشد. این مزایا از نگاه طرفداران تابعیت اکتسابی عیب محسوب می‌گردد. یکی از اهداف اولیه‌ی ماده‌واحد ۱۳۹۸، گسترش دامنه معیار خون و اعطای تابعیت از طریق مادر بود. بنا به گفته معاون حقوقی وقت رئیس‌جمهور وقت، با تصویب این لایحه، دامنه شمول ماده ۹۷۶ قانون مدنی در اعطای تابعیت از طریق سیستم خون، به فرزندان مادران ایرانی توسعه یافته است. قانون جدید به‌نوعی ماده ۹۷۶ قانون مدنی را اصلاح کرده است؛ چراکه در این ماده تابعیت براساس سیستم خون از جانب مرد است (مهدی‌پور و دیگران، ۱۴۰۰) با وجود این به‌نظر می‌رسد ذاتی دانستن تابعیت ایرانی فرزندان مورد بحث، مسائلی را به‌همراه دارد. نخستین مسأله، افزایش این ازدواج‌ها به‌ویژه در همان قشر ضعیف جامعه است؛ که طبق تحقیقات انجام شده بسیاری از این ازدواج‌ها نارضایتی زنان ایرانی را به‌دنبال دارد؛ که غلبه جنبه پیشگیرانه موضوع را می‌طلبد. دومین مسأله که از یک منظر مزیت، و از منظری دیگر عیب تلقی می‌شود، انتقال خودکار تابعیت به نسل‌های بعد بدون طی فرآیند رسیدگی است؛ امری که ممکن است منجر به عدم ثبات سیاسی و امنیتی ایران شود؛ چراکه نظارت بر این‌گونه ازدواج‌ها به‌مراتب کمرنگ می‌شود.

۲.۳. تابعیت اکتسابی فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیرایرانی؛ مزایا و معایب

هر شخص می‌تواند از طریق درخواست و یا به‌دلیل وابستگی به شخصی، تابعیت کشور دیگری را کسب نماید. تحصیل تابعیت اکتسابی ایرانی از سه طریق ممکن است: تابعیت زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار می‌کند (بند ۶ ماده ۹۷۶)؛ درخواست تابعیت ایرانی از سوی اتباع خارجی (بند ۷ ماده ۹۷۶)؛ بالحاظ شرایط ماده ۹۷۹ و سایر شرایط مقرر قانونی) و تابعیت زن و اولاد

صغیر اشخاص خارجی که تحصیل تابعیت ایرانی می‌کنند (ماده ۹۸۴). مورد اخیر را می‌توان تابعیت تحمیلی نامید (تدین و یوسفی، ۱۳۸۷).

۲.۳.۱. تابعیت اکتسابی فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیرایرانی

در خصوص تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیرایرانی قانون‌گذار اعطای تابعیت را پذیرفته بود؛ بدین ترتیب که فرد درخواست می‌داد و پس از فرآیند اداری، اگر حائز شرایط بود، تحصیل تابعیت می‌نمود. به‌علاوه، فرد باید به سن ۱۸ سالگی برسد و بعد انتخاب کند. اما در قانون جدید قانون‌گذار کمی از تابعیت اکتسابی فاصله گرفته اما به‌طور کامل تابعیت ذاتی را هم نپذیرفته است. واژه "اعطا"، تابعیت اکتسابی را متبادر می‌سازد. به‌علاوه، تابعیت زمانی ذاتی است که بتوان بدون هیچ روندی شناسنامه اخذ نمود.

۲.۳.۲. مزایا و معایب تابعیت اکتسابی فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیرایرانی

پذیرش تابعیت اکتسابی برای فرزندان موضوع بحث، برای دولت مزایایی به‌همراه دارد، بدین ترتیب که هر کس باید مراحل اخذ تابعیت را خود طی کند؛ و دستگاه‌های امنیتی در اعطای مجوز مخیر هستند (رهنما، ۱۴۰۱/۴/۸)؛ در تابعیت اکتسابی می‌توان ثبات مسائل سیاسی ایران را مدنظر قرار داد و متناسب با شرایط تصمیم گرفت. اما معایب آن عمدتاً متوجه متقاضی است. اخذ تابعیت مستلزم طی مراحل طی است که هریک مدتی به‌طول می‌انجامد؛ به‌علاوه ممکن است دستگاه‌های امنیتی ممانعت نمایند. زمانی که فرد تابعیت ایرانی گرفت حقوق شهروند ایرانی را دارا می‌شود و از آنجا که برخلاف بعضی کشورهای شمال اروپا و استرالیا که تابعیت اکتسابی آن‌ها رتبه‌بندی دارد و بعد از چند سال ارتقا درجه دارند، - مثلاً ده سال اول رتبه ۳ و بعد از آن به مدت ۵ سال رتبه ۲ دارند- در ایران چنین امری پیش‌بینی نشده است، می‌تواند باعث لطمه به مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و حقوقی گردد (غلامی، ۱۴۰۱/۵/۴). یکی دیگر از معایب اکتسابی دانستن تابعیت، ایجاد سیکل معیوب و دور باطل است. به‌این‌صورت که فرزند بعد از گرفتن شناسنامه ایرانی اگر با تبعه افغانستان ازدواج کند، سیکل معیوب به‌کرات تکرار می‌شود و حتی با ذاتی پنداشتن هم ترمیم نمی‌شود و حتی تشدید هم می‌گردد که در طول زمان نمود پیدا می‌کند (همان‌جا).

۲.۴. تابعیت مضاعف فرزند حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد غیرایرانی

در قانون ۱۳۸۵ یکی از شرایط اصلی اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان موضوع بحث، رد تابعیت غیرایرانی آن‌ها بود. این افراد برای اخذ تابعیت باید به کشور پدری خود مراجعه و مدرکی دال بر ترک تابعیت پدری تهیه می‌کردند، و بعد روند صدور شناسنامه طی می‌شد. در مصوبه جدید، این شرط حذف شد؛ که به گسترش افراد دارای تابعیت مضاعف در ایران منجر می‌شود (غلامی، ۱۴۰۱/۴/۲۹) این اولین بار است که قانون‌گذار در عمل تابعیت مضاعف را پذیرفته است. در ایران فقدان پیش‌زمینه‌هایی مثل شفافیت مالی و ارتباط شبکه‌های مالی با یکدیگر، می‌تواند به این وضعیت بیانجامد که فرد با داشتن دو مدرک هویتی همزمان در دو کشور فعالیت‌های مالی و چه‌بسا فرار مالیاتی داشته باشد و در مرادوات بانکی اختلال ایجاد کند.

یافته‌های پژوهش

در ایران پایه‌گذاری مناسبی برای مهاجرپذیری وجود ندارد؛ در قانون مدنی کمتر از ده ماده به این موضوع اختصاص داده شده؛ چراکه پیش‌تر ایران کشوری مهاجرفرست بوده است. بنده ماده ۹۷۶ نیز در همین بستر تنظیم شده بود. رفته‌رفته حجم وسیع مهاجرت به ایران و مسأله تابعیت فرزندان مادران ایرانی، موضوع را از حالت عادی به مسأله‌ای امنیتی، انتظامی و حتی سیاسی تبدیل کرده است. وضع تابعیت فرزندان حاصل ازدواج زنان ایرانی با اتباع غیرایرانی، از لحاظ حقوقی مسأله‌ای است که سال‌ها مشکلاتی را از قبیل عدم صدور شناسنامه، عدم تحصیل و بی‌بهره‌گی از هرگونه حقوق شهروندی به‌وجود آورده است. مطابق بستر قانونی پیشین، آن‌ها صرفاً بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام به شرط آن‌که یک‌سال مقیم ایران باشند، تبعه‌ی ایران محسوب می‌شدند (بنده ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی). در سال ۱۳۸۵ مقرره‌ای تک ماده‌ای در خصوص "تعیین تکلیف" تابعیت این فرزندان به تصویب رسید؛ که نه تنها راه‌گشا نبود، بلکه مشکل را دو چندان کرد؛ چراکه از یکسو فرزندان زیر ۱۸ سال را نادیده گرفته بود و از سوی دیگر، برای کسانی که ازدواج شرعی اما غیرقانونی داشتند، مشکلات عدیده‌ای را به‌وجود آورد؛ هم‌چنین تحصیل تابعیت ایرانی با آن شرایط قانون مدنی را منوط به تقاضا و عدم سوء‌پیشینه کیفری یا امنیتی و رد تابعیت خارجی، نمود. با مصوبه سال ۱۳۹۱ مشکلات از

جایی دیگر رخنه کرد؛ علی‌رغم معافیت از پرداخت هزینه اقامت تا نوزده سالگی، حق اقامت دایم و بهره‌مندی از حقوق شهروندی، اما هم‌چنان مشکلاتی در روند گرفتن شناسنامه وجود داشت. در نهایت مهرماه ۱۳۹۸، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی تصویب شد که خلأهای مقررات قبل در اعطای تابعیت را با شرایطی برطرف نمود. پس از آن، به‌علت چالش‌ها و کاستی‌هایی که در قانون قبل وجود داشت، در مردادماه ۱۴۰۲ طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲ در دستور کار مجلس قرار گرفت. دولت سیزدهم نیز لایحه اعطای شناسه هویتی به افراد فاقد هویت را تنظیم کرده‌است تا این افراد علاوه بر شناسایی، از برخی حمایت‌های اولیه نیز برخوردار شوند؛ تا در رفع برخی از مشکلات قانون ۱۳۹۸ از جمله عدم ثبت و تابعیت مضاعف بتواند راهگشا باشد؛ اما این‌که اگر مراحل ازدواج شخصی مطابق قانون باشد، آیا بازهم باید فرآیند اداری اخذ تابعیت برای فرزند از جمله آزمایش انجام شود، مبهم است.

با وجود راه‌گشا بودن این مقررات برای فرزندان فاقد شناسنامه که هویتی دوگانه دارند، اما هم‌چنان چالش‌های بسیاری از جمله چالش حقوقی عدم تعیین تکلیف ذاتی یا اکتسابی بودن این تابعیت، وجود دارد. قانون‌گذار علی‌رغم نیم‌نگاهی که به ذاتی بودن تابعیت داشته، اما در عمل به سمت اکتسابی بودن تابعیت حرکت کرده است؛ زیرا نه تنها واژه "اعطا"، گویای اکتسابی بودن تابعیت در این فرض است، بلکه زمانی می‌توان تابعیت را ذاتی دانست که به‌طور خودکار از بدو تولد اختصاص یابد، و نیازی به فرآیند اداری نباشد. البته تابعیت اکتسابی با امتیازات بیشتر مدنظر قانون‌گذار است، اما حتی اکتسابی تلقی کردن تابعیت، باید قابل انعطاف نگاشته شود که در شرایط سیاسی یا ملاحظات جمعیتی^۱ قابل تغییر باشد.

حضور مهاجران افغان واقعاً سهل و ممتنع است که می‌توان آن را هم فرصت و هم تهدید شمرد؛

۱. برای آشنایی بیشتر با بایسته‌های تقنینی سیاستگذاری جمعیتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ر.ک.:

تقی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹.

و هر دوی این‌ها به شرایط میزبان برمی‌گردد؛ این‌که اگر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را توسعه دهد، قطعاً فرصت محسوب می‌شود؛ و اگر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد، قطعاً تهدید است. از بستری‌هایی که از پیش باید مهیا باشد، اطلاع‌رسانی‌های قانونی است؛ چون غالب قشری که با این مسأله روبه‌روست، قشر ضعیف جامعه است که معطل قانون نمی‌ماند. به‌علاوه، موضوع تابعیت فرزندان مورد بحث، با موضوع ازدواج والدین مرتبط است، و موضوع ازدواج هم به مهاجرت وصل است. لذا اگر نتوانیم موضوع ازدواج و مهاجرت را به‌نحو مطلوبی مدیریت کنیم، قطعاً نمی‌توانیم مسأله تابعیت را حل کنیم. تصمیم‌گیری متناسب در این مسأله همچنین مستلزم رویکرد آینده‌پژوهی نسبت به سیاست‌های داخلی در خصوص اتباع غیرایرانی است؛ چراکه با موج عظیمی از مهاجران به ایران روبه‌رو هستیم که با غلبه‌ی افغان‌ها، ترکیب جدید جمعیتی ایران، ایرانی - افغانی خواهد بود.

بنابراین، به موضوع مهاجرت، ازدواج و حتی تابعیت فرزندان نباید یک‌جانبه نگریست. الزاماً این‌گونه نیست که تحدیدات قانونی نتایج مثبتی داشته باشد و یا به‌عکس اگر مسیر را باز بگذارد، مناسب باشد. در قانون ۱۳۸۵ یکی از شروط، تولد در ایران بود، در صورتی که در قانون ۱۳۹۸ این شرط حذف شد. سال ۸۵ نگاه مقنن سلبی بوده و سال ۹۸ ایجابی شده است. تمام این افراد از قشر ضعیف نیستند که سربار جامعه باشند؛ همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، عده‌ای از آنها نخبه و مفید هستند و باید به‌صورتی قانون‌گذاری شود که بتوان در اعطای تابعیت به افراد مفید امتیازاتی قائل شد؛ لذا لازم است در این خصوص همه جوانب مدنظر قرارگیرد، تا نیاز به اصلاح چندباره‌ی قانون نباشد.

منابع

- ابراهیمی، نصرالله (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۶۹). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. جلد اول، تهران: انتشارات بهتاب، چاپ دوم.
- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۷). «حق کودک بر هویت». *دوفصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۱۳(۴۹)، ص ۶۲۶.

اسدی نژاد، سیدمحمد؛ رستمی چلکاسری، عباداله؛ مرادی، فاطمه (۱۳۹۴). «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر». دوفصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال ۲۰(۶۲)، صص ۱۷۳-۱۹۵.

اسکینی، ربیعا (۱۳۸۴)، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری. جلد ۱، تهران: انتشارات سمت.
 اقتداری، صدیقه (۱۳۹۹). «تابعیت اطفال ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی با تأکید بر قانون جدید مصوب ۱۳۹۸». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی مریم افشاری، دانشگاه آزاد اسلامی دماوند.
 امینی، مهدی، امینی، زهرا (۱۳۹۸). «تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی». حقوق خصوصی، ۱۶(۲)، صص ۴۳۵-۴۶۲.

ایمانی نائینی، محسن، صادقی، محمود، عبدی، فاطمه (۱۳۹۰). «بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیرایرانی». مجله مطالعات راهبردی زنان، ۴(۵۴)، صص ۹۱-۱۳۴.

آیین‌نامه اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی مصوب ۱۳۹۹
 آیین‌نامه صدور پروانه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیرایرانی مصوب ۱۳۴۵/۷/۶
 بالازاده، زهره (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان. تهران: نشر مردم سالاری، چاپ اول.

بیات، زهرا (۱۳۹۵). «بررسی وضعیت حقوقی اتباع افغانی در ایران و تعیین تکلیف همسر ایرانی و فرزندانشان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی صالح خدروی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت.
 تدین، عباس، یوسفی، مجید (۱۳۸۷). «تأثیر ازدواج مرد خارجی و زن ایرانی بر تابعیت فرزندان». مطالعات راهبردی زنان، ۱۰(۴۰)، صص ۱۵۷-۱۹۵.

تقی نژاد، علی؛ غمامی، سیدمحمد مهدی؛ عزیزی، حسین (۱۳۹۹). «بایسته‌های تقنینی سیاستگذاری جمعیتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، ۲۵(۷۲)، صص ۲۵-۴۷.
 توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۳). «اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران». مجله حقوق خصوصی، ۲(۷)، صص ۱۰۳-۱۱۶.

توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۹۰). «تأملی بر وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹». مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲(۱)، صص ۲۷-۵۸.
 توسلی نائینی، منوچهر، افضلی، عبدالواحد (۱۳۹۲). «تحولات حقوقی قانون تابعیت افغانستان در زمینه ازدواج با بیگانگان در مقایسه با قانون تابعیت ایران». فصلنامه حقوق خصوصی، ۲(۲)، صص ۹-۲۲.
 جاهد، مانده (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی حق انتقال تابعیت مادر به فرزند در فقه امامیه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی احمدرضا توحیدی، دانشکده اصول دین، مرکز قم.

چاچ، سعید؛ عبدی‌پورفرد، ابراهیم (۱۳۹۸). «نابرابری بین پدر و مادر ایرانی در انتقال تابعیت به فرزندان». *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۰(۱)، ص ۲۶۱-۲۷۸.

درمچیلی، محمد، حاتمی، علی و قرائی، محسن (۱۳۸۱). *قانون تجارت در نظم حقوق کنونی*، انتشارات میثاق عدالت.

رهنما، حسن، کارشناس حقوقی اداره ثبت احوال، تاریخ مصاحبه: ۱۴۰۱/۴/۸.

رئیس، پریناز (۱۳۸۶). «بررسی تطبیقی تابعیت زن در نظام‌های حقوقی ایران، بریتانیا و فرانسه». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*.

زارعی، حمید (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی اثر ازدواج با بیگانگان بر تابعیت فرزندان در حقوق ایران و فرانسه». *دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی، تهران*.

سلجوقی، محمود (۱۳۹۱). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: میزان*، چاپ سیزدهم.

سلیمان‌پور، سارا، «وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی عباس زمانی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، دانشکده علوم پایه*.

شاه‌حیدر، عبدالکریم، سلیقه، محمدجعفر (۱۳۹۵). *تأثیر مهاجرت بر رابطه مجرمانه، اولین همایش ملی یافته‌های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات حقوقی ایران و جهان*.

طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲- مرداد ۱۴۰۲.

عابدین، حسین (۱۳۷۸). «ابعاد حقوقی ازدواج با اتباع خارجی». *مجله مجلس و راهبرد*، ۷(۲۸)، ص ۳۳۳-۳۵۲. عباسی، عاطفه، بداغی، فاطمه (۱۳۸۸). «حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی». *مجله فقه و حقوق خانواده*، ۱۴(۵۱)، ص ۸۶-۱۰۵.

عزیزی، ستار، حاجی‌عزیزی، بیژن (۱۳۹۰). «بررسی جایگاه مادر ایرانی در انتقال تابعیت به طفل: نقدی بر ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران و ماده واحده سال ۱۳۸۵». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۴(۵۶)، ص ۳۳۳-۳۷۰.

عزیزی، ستار، حاجی‌عزیزی، بیژن (۱۳۹۰). *تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا، چاپ اول.

غلامی، عبدالله، معاونت مدیر کل اداره اتباع و امور مهاجرین خارجی، تاریخ‌های مصاحبه: ۱۴۰۱/۴/۸، ۱۴۰۱/۵/۴ و ۱۴۰۱/۴/۲۹.

کاظمی، خدیجه (۱۳۹۴). «بررسی قواعد مربوط به تابعیت زنان و کودکان در حقوق ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی رضا نیکخواه سرنقی و محمدحسن جواد، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

محمد نبی، حسین (۱۳۸۲). *حقوق ایران و اتباع خارجه*، چاپ اول، تهران: نشر کشاورز.
ملکی، محبوبه؛ نیکومنش، ام‌الله؛ عظیمی گرگانی، هادی (۱۴۰۱). «مبانی فقهی تشریفات ثبت رسمی ازدواج و طلاق با تأکید بر قاعده «نفی اختلال در نظام»». *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، ۲۷(۷۷)، ص ۲۰۵-۲۲۵.

موسوی، سیدنقی؛ نادرعلی، یاسر (۱۴۰۱) «بازخوانی قلمروی ولایت مادر در فقه اسلامی». *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، ۲۷(۷۷)، ص ۲۸۳-۲۹۷.

مهدی‌پور، سیده فاطمه، سبحانی، مهدی و مقصودی پاشاکی، رضا (۱۴۰۰). «نقد و بررسی شرایط و آثار قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸». نشریه علمی *مطالعات حقوقی تطبیقی معاصر*، (۲۳)، ص ۱۱۱-۱۳۴.

نصیری، محمد (۱۳۸۴). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ دوازدهم.
نظیف، مجتبی (۱۳۹۱). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*. مؤسسه انتشارات دادگستر، چاپ اول.
نورایی، فروزان و غضنفری، هنگامه (۱۳۹۶). شرایط اعطای تابعیت به فرزند از طریق مادر با نگاهی به حقوق ایران، افغانستان و تاجیکستان. *کنگره بین‌المللی حقوق*.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی (ماده واحده) مصوب ۱۳۹۸.

قانون تابعیت مصوب ۱۶ شهریور ۱۳۰۸.

قانون تابعیت ج.ا. افغانستان، ۲۹ حوت ۱۳۷۰.

قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۸۵/۷/۲.

قانون تشکیل سازمان ملی مهاجرت مصوب ۱۴۰۱/۸/۲۲.

قانون مدنی ایران .

The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW), 1979, UN.

The Convention on the Reduction of Statelessness, 1961, UN.

The Universal Declaration of Human Rights, 10 Dec. 1948.